

کبوترها به لانه برمی گردند

پروین امینی

www.ketab.ir



سرشناسه	: امینی، پروین، ۱۳۲۸-
عنوان و نام پدیدآور	: کبوترها به لانه برمی گردند / پروین امینی
مشخصات نشر	: تهران: اساطیر پارسی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۶۰-۱۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
یادداشت	: ص.ع. به انگلیسی:
یادداشت	: Parvin Amini,
یادداشت	: The pigeons return to the nest
موضوع	: داستان های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۳۴
رده بندی دیویی	: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی	: ۷۶۰۹۸۵۷



تهران: ۸۸۸۹۹۶۸۰ - ۸۱۴ - ۰۹۱۲۹۶۰

کبوترها به لانه برمی گردند

پروین امینی

چاپ اول: ۱۴۰۰ شمارگان: ۱۰۰۰

صفحه آرای: کلینیک اطلاعات ایران

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۶۰-۱۶-۹ ISBN 978-622-7560-16-9

حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ است.

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

پیشگفتار

برای انتخاب عنوان این داستان زیاد فکر کردم بالاخره تصور کردم این بهترین اسمی است که می‌توانم بنامم (کبوترها به لانه برمی‌گردند) این جا منظور من مردهایی است که پرواز کرده‌اند به سوی دیگران و آشیانه خودشان را ویران کرده‌اند پس از مدتی از عمل خود پشیمان می‌شوند و باز به آشیانه خود بازمی‌گردند ولی به چه قیمتی تمام می‌شود. امکان دارد شانس دیگری وجود نداشته باشد گاهی هم ممکن است همسر مهربانش به خاطر عشقی که در وجودش هنوز شعله‌ور است بدو ای او باشد. به نظر من عشق ورزیدن یعنی کنار هم بودن رو در رو، چشم در چشم و با عشقی که در آن جز صفا و صداقت چیزی وجود نداشته باشد. زن‌ها به تکیه کردن نیاز دارند اگر مرد تکیه‌گاهشان نشود آن زندگی لطفی ندارد. خواهش می‌کنم در زندگی‌تان نقش پرتگاه را هرگز بازی نکنید. دنیا دمی بیش نیست باید قدر آن را دانست. چرا باید سر حرف‌های پوچ زندگی را به خودتان تلخ کنید، وقت را گرامی بدارید که بعداً باعث افسوس خوردن نشود.

به خانه دوستم رفته بودم احساس کردم که بین آنها درگیری پیش آمده بود. شوهرش خیلی عصبانی بود به طوری که وقتی همسرش لیوان

آبی را که خواسته بود به دستش داد، علاوه بر اینکه تشکر نکرد حتی نگاهی هم به او نینداخت. کتابی در دستش بود. بی خودی ورق می زد بدون اینکه یک ورق از کتاب را بخواند یک مرتبه کتاب را به گوشه ای پرت کرد و بلافاصله لباسش را پوشید بدون خداحافظی خانه را ترک کرد بعد از رفتن او دوستم شروع کرد به اشک ریختن از او سؤال کردم چه شده؟

گفت هیچ وقت نمی توانم حس واقعی خودم را برایت توضیح دهم؟ گفتم چرا دوست عزیز؟ البته اگر دلت می خواهد بلکه من بتوانم کمکی به تو بکنم. همان طور که اشک می ریخت گفت: با داشتن دو بچه بی گناه عاشق یکی از همکارهایش شده.

عقب بهانه می گشت که برود پیش او من نمی گذاشتم از خانه خارج شود ولی از خوش شانسیش تو آمدی. من دیگر پیش تو توانستم حرفی بزنم. بیشتر وقت ها پهلوی او بود. رفتم پیش آن خانم خواهش کردم که دست از سر او بردارد. قبول نکرد گفت ما هر دو عاشق یکدیگر شدیم. اصلاً به اشک های من اهمیت نداد بعد که شوهرم جریان را متوجه شد مرا حسابی کتک زد و گفت این است زندگی تو می خواهی بمان یا طلاقست می دهم او قول داده از بچه هایم نگهداری کند من هم کاری از دستم برنمی آید. صورتش را بوسیدم گفتم ناراحت مباش تو تحمل کن صبر داشته باش. او بالاخره به خانه برمی گردد گذشت. یک روز دوستم به من تلفن کرد و گفت تو راست گفتی او با پشیمانی برگشت. من هم او را بخشیدم. حالا زندگی خوبی داریم. البته من بیشتر مقصر خانم ها را می دانم چون بعضی از آنها اصلاً احساس مهر و محبت در وجودشان نیست که متوجه شوند نباید با زندگی خانواده ای بازی کنید. آقایون زیاد گناه ندارند چون من یک زن هستم.

چه خوب گفته اند که زن گل است آری زن گل است. باید آن را نوازش و خوب از آن نگهداری کرد که پژمرده نشود. ولی اگر روزی

خواست بزم‌مرده شود ممکن است برای همیشه درختش را ترک کند و برود.

وقتی تو رفتی از هر کس سراغ تو را گرفتم، گفتم: که بلبل شده‌ای /
به دنبال تو گشتم / بلبلی دیدم از تو نشانی گرفتم گفتم که گل شدی /
باغبان شدم و از هر گل که دیدم نشان ترا گرفتم.

اما گفتند رهن شدی رهنی دیدم و گفتم تو تارک دنیا شدی / در این
صورت قدر یکدیگر را بدانید و از زندگی خود لذت ببرید و باعث
ناراحتی یکدیگر نشوید دوست داشته باشید تا دوستان بدانند از آشیانه
خود بیرون نروید که پشیمان می‌شوید.

کبوترها به لانه برمی‌گردند مثل مردان قصه من

www.ketab.ir